



پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

مقایسه‌ی خسرو و شیرین نظامی با شیرین و خسرو میر صوبدار خان تالپور

استاد راهنما:

دکتر محمدمیر مشهدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالله واثق عباسی

تحقیق و نگارش:

فاطمه عابدی

(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

شهریور ۹۰

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان «مقایسه‌ی خسرو و شیرین نظامی با شیرین و خسرو میر صوبدار خان تالپور» قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجو فاطمه عابدی با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد امیر مشهدی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

فاطمه عابدی

این پایان نامه۴.. واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ۹۰/۶/۲۸ توسط هیئت داوران بررسی و درجه عالی به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما:	دکتر محمد امیر مشهدی	
استاد راهنما:		
استاد مشاور:	دکتر عبدالله واثق عباسی	
داور ۱:	دکتر محمود عباسی	
داور ۲:	دکتر احمد رضا کیخای فرزانه	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	نور محمد ناظریان	



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب فاطمه عابدی تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه عابدی

امضاء

تقدیم بهانه‌ایست برای تقدیر

تقدیم به بزرگ آموزگاران زندگیم، عاشقانی که فروغ مهرشان از آئینه‌ی چشمانشان جاریست و هر چه دارم از

برکت وجود آنهاست

پدر عزیزم

پررنگ‌ترین نقش، بر صفحه‌ی پر هیاهوی زندگی‌ام. او که استواری‌اش تکیه‌گاهم بود و در پرتو تلاش و محبتش

توان آموختن را در خود احساس کردم.

مادر مهربانم

به پاس گذشت و بخشش او که مهر پر فروغش پرتو راهم بود و استواری وجود و توانایی دستانم به یمن

گذشت و فداکاری اوست.

برادران عزیزم

که همواره با تشویقها و الطاف بی‌شائبه‌ی خود روشنایی بخش راه پر فراز و نشیب ترقی و کمالم بودند.

سپاسگزاری

به شکرانه‌ی الطاف بیکرانه‌ی حضرت دوست، بر خود لازم می‌دانم در نهایت خلوص و فروتنی از استاد فرزانه جناب آقای محمد امیر مشهدی که راهنمای اینجانب در انجام این پایان نامه بودند سپاسگزاری و قدردانی می‌نمایم، رهنمودهای روشن و سازنده‌ی ایشان همواره با وسعت نظر و درایت و محبت همواره چراغ راهم بودند و نیز با کمال ادب و احترام از جناب آقای دکتر عبدالله واثق عباسی که به عنوان مشاور این پایان نامه بودند و با دقت نظر و ارشادات مؤثرشان یاریگر این حقیر بودند نیز تشکر و قدردانی می‌نمایم.

همچنین از دوستان عزیزم سپیده امینی، زهرا پورموسی، فاطمه ثواب، آمنه دهقان، نازنین زارعی، طیبه محمدنیا و از تمامی کسانی که به نوعی در انجام این پایان نامه همراهم بودند و مرا یاری نمودند کمال تشکر را دارم.

چکیده :

شعر زبان دل است و زاییده‌ی احساسات آدمی و شاعر کسی است که این احساسات و عواطف را با زبانی مخیل و موزون در ساختاری مطلوب ارائه می‌دهد. یکی از نواع شعر فارسی، نوع غنایی است. شعر غنایی، شعری است که مستقیماً احساسات و عواطف شخصی و خصوصی شاعر را بیان می‌کند. داستان دلدادگی و دلستانی خسرو و شیرین از دل‌انگیزترین داستان‌های منظوم فارسی است که در ادبیات غنایی زبان فارسی بی‌تردید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و واقعیت تاریخی آن به روزگار ساسانیان و به عهد خسرو پرویز برمی‌گردد. خسرو و شیرین «در بحر هزج مسدس مقصور» و تقریباً مشتمل بر شش هزار و پانصد بیت است و دومین داستان منظوم نظامی است که سرودن آن را در حدود سال (۵۷۶) هجری قمری به پایان رسانیده است. حکیم نظامی از معدود شاعران نامی بزرگ ایران است که صاحب سبک بوده و یک جریان ادبی را در طی قرن‌ها به دنبال خویش داشته است. پنج‌گنج ارزشمند حکیم نظامی در وادی سخن فارسی رمزها و رازهایی از ساختار و مفهوم در خویش پنهان ساخته و سالیان سال است که پژوهندگان این وادی را از کلام و حکمت خویش غنی می‌سازد که هرگز پایان نپذیرفته و باعث شده قله‌ی افتخار سرودن مثنوی‌های بزمی به حکیم نظامی اختصاص داده شود. یکی از آثاری که در اوایل قرن سیزدهم در سند به زبان فارسی و در تقلید از خسرو و شیرین نظامی نگاشته شده است «شیرین و خسرو» است که به قلم یکی از شاهزادگان و امرای سندی از خاندان تالپور به نام میر صوبدار خان تالپور (۱۲۵۱) به رشته‌ی نظم درآمده است

رسالت اصلی این پژوهش ارائه دیدگاه‌هایی در مورد مقام نظامی و میرصوبدارخان، تطبیق و مقایسه این دو اثر و چگونگی تأثیر پذیری میر صوبدار در وجوه گوناگون از خسرو و شیرین نظامی می‌باشد. این پایان نامه در پنج فصل تنظیم یافته:

فصل اول: تعاریف و کلیات، شامل: موضوعات و سیر ادب غنایی در ایران، شرح حال و آثار نظامی و میرصوبدار خان تالپور.

فصل دوم: بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های متن دو اثر .

فصل سوم: بررسی عناصر داستانی در این دو منظومه.

فصل چهارم: پرداختن به ویژگی‌های سبکی دو اثر شامل: بررسی ویژگی‌های زبانی، ادبی، فکری.

فصل پنجم: دیگر درون مایه‌ها، شامل: تلمیحات و اشارات قرآنی، تاریخی، داستانی و دانش‌ها مانند، نجوم، موسیقی و...

کلید واژه‌ها: نظامی گنجه‌ای، میر صوبدارخان تالپور، خسرو و شیرین، شیرین و خسرو، اشتراکات، تفاوت‌ها، عناصر داستانی، ویژگی سبکی، دیگر درون مایه‌ها

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۳	فصل اول: تعاریف و کلیات
۳	۱-۱. سیرداستان غنایی در ایران
۶	۲-۱. نگاهی به زندگی و آثار نظامی
۹	۳-۱. اجزاء خمسه نظامی
۱۴	۴-۱. بحث و تحقیق در اصل و ریشه داستان خسرو و شیرین نظامی
۱۵	۵-۱. دلایل توجه به خسرو و شیرین و تقلید از آن
۱۵	۶-۱. خمسه‌سرایبی پس از نظامی
۱۵	۷-۱. نظیره پردازان پنج گنج
۱۶	۸-۱. گروهی دیگر مقلدان خمسه نظامی در ایران و شبه قاره
۱۷	۹-۱. داوری نظامی در باب منظومه‌ی خسرو و شیرین
۱۷	۱۰-۱. ساختار «خسرو و شیرین» نظامی
۱۸	۱۱-۱. جنبه‌ی هنری «خسرو و شیرین» نظامی
۱۹	۱۲-۱. کلیاتی درباره‌ی میر صوبدار خان تالپور و «شیرین و خسرو»
۲۵	فصل دوم: بررسی مقایسه و شباهت‌های متن دو منظومه
۲۶	۱-۲. تعریف ادبیات تطبیقی
۲۶	۲-۲. پیدایش و گسترش ادبیات تطبیقی
۲۶	۳-۲. نقد تطبیقی
۲۷	۴-۲. مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های دو اثر
۲۷	۲-۴-۱. وزن دو منظومه و چگونگی آغاز هر دو
۲۷	۲-۴-۲. توحید و مناجات
۳۰	۲-۴-۳. توفیق شناخت و طلب آمرزش
۳۱	۲-۴-۴. نعت و معراج پیامبر
۳۲	۲-۴-۵. در سابقه نظم کتاب و ستایش ممدوحان
۳۵	۲-۴-۶. در پژوهش کتاب
۳۸	۲-۴-۷. آغاز داستان عشق
۴۰	۲-۴-۸. رنگ آشنایی
۴۱	۲-۴-۹. صلا‌ی عشق
۴۲	۲-۴-۱۰. افسون عشق
۴۳	۲-۴-۱۱. تالو سیمتن در چشمه

۴۳	۱۲-۴-۲	جستجوی بیحاصل
۴۴	۱۳-۴-۲	گنج سربه مُهر
۴۶	۱۴-۴-۲	هجران یار
۴۷	۱۵-۴-۲	عشق نافرجام
۵۰	۱۶-۴-۲	رؤیای دور از دسترس
۵۲	۱۷-۴-۲	وصال
۵۲	۱۸-۴-۲	فراقی پس از وصال
۵۳	۱۹-۴-۲	نتیجه افسانه
۵۳	۲۰-۴-۲	تباهی پادشاهی
۵۶	۲۱-۴-۲	خاتمه منظومه
۵۷	فصل ۳: بررسی عناصرداستانی دو منظومه	
۵۸	۱-۳	تعریف داستان
۵۸	۲-۳	موضوع و مضمون داستان
۵۹	۳-۳	تعریف طرح یا پیرنگ
۵۹	۴-۳	درونمایه
۶۰	۵-۳	دیدگاه راوی
۶۲	۶-۳	فرایینی
۶۲	۷-۳	گفت و گو و مناظره در داستان
۶۴	۸-۳	گرایش به توصیف در پرورش معنی و مطلب
۶۴	۹-۳	شخصیت پردازی
۶۵	۱-۹-۳	انواع شخصیت
۷۹	۱۰-۳	تحلیل شخصیت پردازی نظامی
۸۰	۱۱-۳	تحلیل شخصیت پردازی میر
۸۱	فصل چهارم: ویژگی سبکی دو اثر	
۸۲	۴-۴	روش بررسی سبک شناسی متون
۸۲	۱۲-۴	سطح زبانی
۸۸	۱۳-۴	هنجار گریزی
۸۸	۱-۱۳-۴	هنجار گریزی سبکی
۸۸	۲-۱۳-۴	هنجار گریزی زمانی
۹۰	۳-۱۳-۴	هنجار گریزی واژگانی
۹۱	۱۴-۴	ویژگی ادبی
۹۳	۱۵-۴	آرایه‌های بدیعی و عناصر بیانی در «خسرو و شیرین» نظامی

- ۹۳ ۱۵-۴-۱. تسجیع
- ۹۴ ۱۵-۴-۲. ترصیع
- ۹۵ ۱۵-۴-۳. موازنه یا مماثله
- ۹۵ ۱۵-۴-۴. تجنیس
- ۹۷ ۱۵-۴-۵. اشتقاق
- ۹۷ ۱۵-۴-۶. ردالعجز الی الصدر
- ۹۷ ۱۵-۴-۷. ردالصدر الی العجز
- ۹۷ ۱۵-۴-۸. تکرار یا تکریر
- ۹۸ ۱۵-۴-۹. واج آرایی
- ۹۸ ۱۶-۴-۱۶. موسیقی معنوی
- ۹۹ ۱۶-۴-۱. مراعات النظیر
- ۹۹ ۱۶-۴-۲. مبالغه و اغراق
- ۹۹ ۱۶-۴-۳. تضاد
- ۹۹ ۱۶-۴-۴. تشخیص
- ۱۰۰ ۱۶-۴-۵. ارسال المثل
- ۱۰۰ ۱۷-۴-۱۷. عناصر بیانی در خسرو و شیرین نظامی
- ۱۰۰ ۱۷-۴-۱. تشبیه
- ۱۰۲ ۱۷-۴-۲. استعاره
- ۱۰۳ ۱۷-۴-۳. مجاز
- ۱۰۳ ۱۷-۴-۴. کنایه
- ۱۰۴ ۱۸-۴-۱۸. ویژگی فکری
- ۱۱۰ ۱۹-۴-۱۹. سبک آثار نظامی
- ۱۱۰ ۲۰-۴-۲۰. ویژگی سبکی شیرین و خسرو میر صوبدار خان
- ۱۱۲ فصل پنجم: وجوه تشابه و تفاوت در دو منظومه
- ۱۱۳ ۱-۵-۱. کاربرد اصطلاحات عامیانه
- ۱۱۳ ۲-۵-۲. موسیقی در دو منظومه
- ۱۱۴ ۳-۵-۳. استفاده از اطلاعات و معلومات در شعر
- ۱۱۵ ۳-۵-۱. اشاره به آیه‌های قرآن کریم
- ۱۱۶ ۳-۵-۲. تلمیح به روایات قرآنی
- ۱۱۶ ۳-۵-۳. اسطوره‌ها، وقایع تاریخی - مذهبی
- ۱۱۸ ۳-۵-۴. شخصیت‌های تاریخی و دینی
- ۱۱۹ ۳-۵-۵. اشاره به اصطلاحات بازی‌ها

- ۱۱۹ ۶-۳-۵ کاربردآلات و اصطلاحات موسیقی
- ۱۲۰ ۷-۳-۵ ذکر نام گل‌ها و گیاهان
- ۱۲۱ ۸-۳-۵ اصطلاحات نجوم
- ۱۲۳ ۴-۵ وجوه تفاوت دیگر درون مایه‌ها در دو منظوم
- ۱۲۳ ۱-۴-۵: تلمیح به آیات قرآن در منظومه «خسرو و شیرین» نظامی
- ۱۲۴ ۲-۴-۵ تلمیح به داستان‌های پیامبران در قرآن
- ۱۲۵ ۳-۴-۵ دیگر شخصیت‌های اساطیری و تاریخی در مثنوی خسرو و شیرین
- ۱۲۶ ۵-۵ دیگر درون مایه‌ها در منظومه‌ی نظامی
- ۱۲۶ ۱-۵-۵ نمونه‌ای از اعتقادات و واژه‌های پزشکی گذشته
- ۱۲۸ ۲-۵-۵ اصطلاحات کاربردی شطرنج
- ۱۲۸ ۳-۵-۵ سایر درون‌مایه‌ها
- ۱۳۰ ۶-۵ تلمیحات در مثنوی میر
- ۱۳۰ ۱-۶-۵ تلمیح به آیات قرآن
- ۱۳۱ ۲-۶-۵ تلمیح به داستان‌های پیامبران در قرآن
- ۱۳۲ ۷-۵ دیگر درون مایه‌ها در منظومه‌ی میر صوبدارخان
- ۱۳۷ نتیجه‌گیری
- ۱۳۸ فهرست منابع و مأخذ

داستان همیشه دستمایه شاعران در بیان عواطف و تجربه های شاعرانه بوده است. در میان انواع و گونه های آن، داستان های غنایی و منظوم عاشقانه لطفی دیگر دارند. یکی از داستان سرایان بزرگ حکیم نظامی گنجوی سخنور بزرگ سده ششم که در فن داستانسرایی و سرودن منظومه های بزمی و غنایی در میان ارباب ادب و فضیلت شهرتی فراوان دارد و یکی از طرازندگان نام آور است، با طلوع پیر گنجه و قدرت خلاقیت اعجاب آور او شعر غنایی به ساختار نهایی خود رسید. وی در بزم سرایی، بزرگترین شاعر ادبیات فارسی است و به جرأت می توان گفت که او در سرایش لحظه های شادکامی بی همتاست، شعر او رستاخیز واژه هاست و کلام او زنجیره ای از خوش آهنگ ترین و درخشان ترین و خیال انگیزترین واژه ها را با رقصی موزون در برابر چشم خواننده قرار می دهد. داستان خسرو و شیرین در میان داستان سرایان و اهل ذوق و ادب از قدیم الایام شهرتی تام داشته و نظامی گنجوی نیز با خواندن گزارش نامه ها و تحقیق از ارباب اطلاع و راویان، آن را با اسلوبی دلکش در حدود سال ۵۷۳ قمری پس از مثنوی مخزن الاسرار در بحر «هزج مسدس مقصور محذوف به رشته ی نظم کشید و در سال ۵۷۶ ق به پایان رسانید.

«خسرو و شیرین در ماجرای عشق بازی خسرو پرویز با شیرین سروده شده است، این مثنوی در واقع مربوط به جامعه ایرانی پیش از اسلام است که آداب و رسوم و فرهنگ عصر ساسانی در آن به وضوح دیده می شود و بدون شک یکی از جذاب ترین اثر نظامی از لحاظ پرداخت داستانی، توصیف احوال و مناظر و همچنین سخن پروری است. از ویژگی های این اثر که آن را از سایر آثار برجسته و متمایز می کند، تازگی معانی و ابداع ترکیبات تازه است که در شعر نظامی به وفور یافت می شود و این امر گاهی کلام وی را دچار ابهام می نماید، از دیگر ویژگی های سخن نظامی دقت در انتخاب کلمات گوشنواز، وسواس در انتخاب واژگان و ترکیبات زیبا و خوش آهنگ، توجه به آرایه های لفظی و معنوی، تنوع و وفور امثال، افراط و اصرار فوق العاده در آوردن تصویرهای مجازی و تشبیهات و استعارات بکر، بیان غزل های ناب و خالص در قالب مثنوی می باشد.» (دستگردی، ۱۳۸۳: ۲) و این عوامل برهانی است آشکار بر تقلید و تتبع فراوان آثار وی توسط شاعرانی که پس از او قدم به عرصه ی هنر نهادند. میر صوبدار خان سندی یکی از مقلدان نظامی در شبه قاره می باشد که مثنوی «شیرین و خسرو» خود را به تتبع از «خسرو و شیرین» نظامی به رشته ی نظم کشیده است و منظومه ی وی در اغلب زمینه ها از جمله عناصر داستانی، درونمایه ها و ساخت و... تکراری و در تقلید صرف و بی چون و چرا از حکیم گنجه است.

این پایان نامه شامل پنج فصل است که در فصل اول به تعاریف و کلیات، شامل: موضوعات و سیر ادب غنایی در ایران، شرح حال و آثار نظامی و میرصوبدار خان تالپور پرداخته شده و در فصل های دوم تا پنجم به اشتراکات و تفاوت های این دو منظومه در زمینه ی عناصر داستانی، ویژگی های سبکی، ادبی و فکری پرداخته شده است.

سوالات تحقیق:

- ۱- آیا مضمون و محتوای دو منظومه یکی است؟
- ۲- آیا قهرمانان در دو داستان یکی هستند؟
- ۳- آیا در مقایسه‌ی این دو داستان از نظر صور خیال و درونمایه‌ها شباهتی دیده می‌شود؟

سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

با توجه به این که شیرین و خسرو میر صوبدارخان تالپور در اواخر سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده، هنوز پژوهشی در مورد مقایسه‌ی این اثر و خسرو و شیرین نظامی گنجوی انجام نشده است.

اهداف:

- ۱- میر صوبدار خان تالپور شاعر ناشناخته‌ای است که لازم است معرفی گردد.
- ۲- معرفی منظومه‌ی «شیرین و خسرو» میر صوبدار خان تالپور.
- ۳- مقایسه‌ی این دو مثنوی بزمی.

روش انجام تحقیق:

شیوه‌ی پژوهش به روش کتابخانه‌ای بوده است. در آغاز شناسایی منابع مربوط به حوزه‌ی کار و نیز فیش برداری اطلاعات و داده‌ها صورت گرفته است. سپس به تحلیل و مقایسه‌ی اشتراکات و تفاوت‌های فکری نظامی و میر صوبدارخان تالپور پرداخته شده است.

روش تحقیق و مراحل علمی و اجرای طرح به این صورت می‌باشد:

1. خواندن کتاب‌ها و مقالات مرتبط با موضوع، یادداشت و فیش برداری مطالب از منابع دست اول.
2. خواندن منظومه دو شاعر و استخراج مطالب از آن‌ها.
3. تحلیل و مقایسه‌ی سطح فکری این دو منظومه با ذکر شاهد مثال.
4. نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده.
5. ویرایش و تایپ تحقیق.

تمامی ارجاعات «خسرو و شیرین» از خمسه نظامی بر اساس چاپ مسکو، و «شیرین و خسرو» میر صوبدارخان تالپور به تصحیح دکتر مریم خلیلی جهانتیغ می‌باشد، عدد سمت چپ نشانه‌ی شماره بیت و عدد سمت راست نمایانگر صفحه می‌باشد.

فصل اول

تعاریف و کلیات

۱-۱. سیرداستان غنایی در ایران:

«در آغاز قرن پنجم داستان سرایی رونق گرفت و چند تن از شاعران به این کار پرداختند. از مشاهیر شاعران این دوره که به نظم داستان‌های عاشقانه پرداخت، عنصری است که چندین داستان مکتوب و غیر مکتوب به نظم درآورد مانند: «وامق و عذرا» و «خنگ بت و سرخ بت» که داستانی متداول درباره دو بت بامیان بلخ بود و ابوریحان بیرونی هم آن را به نام «حدیث صنمی البامیان» به عربی ترجمه کرد. در پایان نیمه اول قرن پنجم هجری یکی از داستان‌های کهن ایرانی به نام «ویس و رامین» به شعر فارسی درآمد. این داستان بی‌تردید از داستان‌های اواخر دوره اشکانی است و کسی که آن را از متن پهلوی یا ترجمه فارسی آن به شعر درآورد، فخرالدین اسعد گرگانی است که شاعر عصر طغرل بیک سلجوقی بود. او چندان مهارت و استادی در کار خود نشان داد که خود منشأ ایجاد روش خاصی در داستان‌سرایی گردید و عمیق‌ترین نفوذ او را در آثار بعد از خود در منظومه «خسرو و شیرین» نظامی می‌توان دید. در اواخر قرن پنجم یکی از داستان‌های مطبوع مشهور یعنی داستان «یوسف و زلیخا» به بحر متقارب ساخته شد و بعضی آن را به غلط به فردوسی نسبت داده بودند. ناظم این داستان شاعری از دستگاه شمس الدوله ابو الفوارس طغان‌شاه بن آلب ارسلان سلجوقی حاکم خراسان بوده است. در پایان قرن ششم نظم داستان‌ها در زبان فارسی به وسیله یکی از ارکان شعر پارسی یعنی نظامی گنجوی به حد اعلای کمال رسید. نظامی چند داستان معروف زمان خود را به نظم درآورد و آن‌ها عبارتند از: داستان خسرو با کنیزک ارمنی شیرین نام که در منظومه‌ی نظامی شاهزاده ارمن است. این منظومه در عشق‌بازی خسرو پرویز با شیرین ساخته شده است. منظومه دیگر نظامی «لیلی و مجنون» است که داستان عشق غم‌انگیز مجنون و لیلی از داستان‌های قدیم تازیان بوده است و در کتب قدیم ادبی به زبان عربی چند بار به آن اشاره شده است. مثنوی عاشقانه دیگر نظامی، «بهرام‌نامه» یا «هفت پیکر» یا «هفت گنبد» است، در همین دوره دو منظومه به نام «الفیه و سلفیه» و قصه «سندبادنامه» به نظم به شاعری به نام ارزقی هروی نسبت داده‌اند که موجود نیست. دولت‌شاه سمرقندی و رضا قلیخان هدایت در تذکره‌های خود، منظومه یوسف و زلیخایی را به عمق بخاری نسبت داده‌اند، اما اثری از آن نیست. همچنین بنا به روایت هدایت در «تذکره مجمع الفصحا» منظومه‌ای به نام «مهر و وفا» رشیدی سمرقندی معروف بوده است که اکنون از بین رفته است. از شاعر و عارف نام‌آور ایران در قرن ششم و آغاز قرن هفتم عطار نیشابوری، مثنوی‌های بسیاری در دست است که از بین آنان تنها یک مثنوی عاشقانه «خسرونامه» است که با نام‌های خسرو و گل، هرمز و گل یا گل و خسرو هم معروف است. تنها منظومه‌ای است که عطار از ماجرای عشق و دلدادگی و داستان زندگی دو شاهزاده سخن گفته است. اصل داستان افسانه باستانی به قلم بدر اهوازی است و موضوع داستان همچون خسرو و شیرین نظامی است و به تأثیر از مثنوی‌های عاشقانه قبل از خود سروده شده است. در کتب تاریخ ادبیات و تذکره‌ها منظومه‌ای به نام «بشر و هند» از نجیب جرفادقانی بر وزن و محتوای لیلی و مجنون و منظومه‌ای دیگر به نام «از هروم‌زهر» از نزاری قهستانی به تقلید از «خسرو و شیرین» نظامی، سخن به میان آمده است که اصل آنها در دست نیست.

در آغاز قرن هفتم هجری اولین بار امیر خسرو دهلوی پیروی از نظامی را آغاز کرد و خمسه خویش را به تقلید از او سرود، سه داستان عاشقانه او به تقلید از خمسه نظامی داستان: «شیرین و خسرو»، «مجنون و

لیلی» و «هشت بهشت» است که به ترتیب تقلید از منظومه‌های «خسرو شیرین»، «لیلی و مجنون» و «هفت پیکر» نظامی است. در همین دوره مثنوی عاشقانه «جمشید و خورشید» اثر سلمان ساوجی همانند دیگر منظومه‌های عاشقانه قبل از خود معروف بوده است. سلمان ساوجی مثنوی دیگری به نام «فراق نامه» هم داشته است که مبتنی بر وقایع تاریخی و حقیقی زمان خود بوده است و موضوع و محتوای آن هم به سبک و سیاق مثنوی‌های عاشقانه آن دوره بوده است. مولانا شمس الدین محمد عصار تبریزی از دیگر شاعران معروفی است که منظومه‌ای عاشقانه به نام «مهر و مشتری» داشته است که با عنوان «عشقنامه» هم از آن یاد شده است. تنها منظومه‌ای است که عشق دو جوان و شرح دلدادگی آنان را بیان نموده و عاشق و معشوق هر دو مذکر و از یک جنس هستند. در همین دوره از کاتبی ترشیزی مثنوی‌های: «حسن و عشق» «ناظر و منظور»، «بهرام و گلندام»، «مجمع البحرین» و «سی نامه» (محب و محبوب) در دست بوده که موضوع آنها همه عشق عرفانی و ملکوتی بوده است، همچنین منظومه‌ی دیگری به نام «حسن و دل» (عقل و دل) به همین مضمون و سبک و سیاق مثنوی‌های کاتبی از شاعری به نام (فتاحی نیشابوری) نسبت داده‌اند که اثری از آن در دست نیست. اما قبل از جامی خاتم شعرای این دوره، منظومه‌هایی در شرح عشق و عاشقی به نام «ده‌نامه» رواج داشته است. از هفت منظومه‌ای که هم اکنون به نام «ده‌نامه» شناخته شده و در دست است، شش منظومه در قرن هشتم و فقط یکی از آنها در قرن نهم سروده شده از نویسندگان و شاعران فاضل خراسان در سده نهم هجری استاد نور الدین عبد الرحمن جامی است که آثار فراوانی به نظم و نثر دارد، معروف‌ترین اثر او مثنوی هفت اورنگ است که سه مثنوی در بین آنان عاشقانه و به سبک و سیاق مثنوی‌های عاشقانه قبل از جامی است، نخستین مثنوی «سلامان و ابسال» است که داستان دلدادگی سلامان فرزند پادشاه یونان به «ابسال» دایه خود بوده است، مثنوی دیگر که منظومه‌ای است عشقی، «یوسف و زلیخا» است که قبل از جامی هم توسط شاعران دیگری همچون ابوالمؤید بلخی، بختیاری، شمسی طغانشاهی به نظم درآمده بود آخرین مثنوی عاشقانه جامی «لیلی و مجنون» است که عشق نامه‌ای است به وزن هزج مسدس محذوف که در سال (۸۸۹ هـ) به نظم درآورده است. بعد از جامی با تمام کوشش‌هایی که شاعران دوره‌های بعد در ابتکار موضوعات جدید برای داستان‌های خود به کار بردند، در مبانی کار خود پیرو داستان‌سرایان بزرگ پیش از خود، خاصه نظامی و امیر خسرو دهلوی و عبد الرحمان جامی و متابعان آنان بودند و هر کدام یک یا چند مثنوی را به تقلید از «خمسه نظامی» و «خمسه خواجوی کرمانی» و «هفت اورنگ» جامی سروده‌اند و همه آنها نظیره گویی بر منظومه‌های عاشقانه قبل از خود بوده‌اند، ویژگی همه‌ی این منظومه‌ها نازل تر بودن و ساده‌تر بودن و کوتاه‌تر کردن آنهاست. بعضی از این مثنوی‌ها که شاعران سرودن آنها را تعهد کرده بودند، ناتمام و برخی چنان کوتاه است که گویی منظور از ساختن آنها رفع تکلیف و اطاعت از امر سفارش دهنده و تعجیل در دریافت پاداش و انعام بوده است. همچنین از ویژگی‌های منظومه‌های این عهد سادگی زبان، عاری بودن مطالب از ساز و پیرایه‌ها و خالی بودن از تفننی که استادان داستان‌سرای پیشین در اثر خود به کار می‌بردند می‌باشد. همه سعی و کوشش شاعران این بوده است که پای در جای پای استادان گذشته نهند تا شاید بتوانند از این راه مرتبه‌ای در شعر به دست آورند و با غلبه‌ی چنین خیالی است که بعضی از آنان سعی داشتند تا هر «پنج منظومه» نظامی و یا هر «هفت اورنگ» جامی را جواب گویند و گاه هم بدین حد بسنده نمی‌کردند و به سرودن دو یا چند خمسه می‌پرداختند.

همچنین در این دوره، داستان‌هایی که از راه ترجمه از اصل هندی به وجود آمده بود، توسط بعضی از این شاعران به نظم در آمد و برخی نیز با استقبال از مثنوی‌های مذهبی همچون «یوسف و زلیخا» و «سلیمان و بلقیس» در اسم و موضوع آن دخل و تصرف کرده و نوعی تقلید مقرون به ابتکار را در ساخت منظومه‌های خود به کار برده‌اند که همه تکراری و فاقد ابتکار بود و در ادب پارسی جایگاه خاصی را به خود اختصاص نداده‌اند.» (محمدی، ۱۳۸۰: ۳۱-۲۸)

۲-۱. نگاهی به زندگی و آثار نظامی

«حکیم جمال الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید نظامی گنجوی از بزرگان شعر و ادب در عصر سلجوقی به شمار می‌رود، کنیه‌ی او را تذکره نویسان ابو محمد نوشته‌اند و قدیم‌ترین جایی که به آن اشاره شده است آثار البلاد قزوینی است.» (صفا، ۱۳۵۱: ۷۹۹). نظامی در ابیات زیر به نام و نسب خود اشاره می‌کند:

مـــــاد ر کـــــه ســـــپند یار زادم	بـــــا در عـــــپند یار زادم
در خـــــط نظـــــامی ار نهـــــی گـــــام	بـــــینی عـــــدد هـــــزار و یـــــک نام
و الیـــــاس کـــــالف بـــــری زلامـــــش	هم با نود و نه است نامش (۴۴-۴۶/۳۷۵)

در مورد تاریخ دقیق ولادت او به درستی نمی‌توان اظهار کرد. استاد صفا سال ۵۳۰ را برای تولد نظامی بر می‌گزیند و مرحوم وحید با توجه به ابیات مخزن الاسرار و سایر نامه‌ها، ولادت او را (۵۳۳ تا ۵۴۰) ذکر می‌کند. محل تولد نظامی را اکثر تذکره نویسان گنجه دانسته‌اند و گفته‌اند اصل نظامی از عراق است و پدرش از عراق به گنجه مهاجرت نموده است. خود حکیم در اشعارش نسبت خود را به گنجه تصریح می‌کند و به دلیل علاقه‌ی زیادی که نظامی به مولد خویش داشته، در تمام عمر خویش از گنجه بیرون نرفته. تنها سفر کوتاهی به یکی از بلاد نزدیک گنجه کرده است. این سفر بنا به درخواست قزل ارسلان سلجوقی بوده و شرح مسافرت این است که پس از ختم خسرو و شیرین، قزل ارسلان چون بی‌نهایت شوق ملاقات حکیم را داشته در سی فرسنگی گنجه در یکی از شهرهای قلمرو کشور خود اقامت کرده و حکیم را بدان شهر دعوت نموده است.

قابل ذکر است که بعضی «زکی مؤید» را به اضافه‌ی بنوت «زکی بن مؤید» دانسته‌اند و بنابراین مؤید را نام پدر جد نظامی ثبت کرده‌اند، شاید نام الیاس فرزند یوسف زکی، در آذربائیجان اندکی تردیدبرانگیز باشد که معمولاً شباهتی به نام‌های یک خانواده‌ی مسلمان ندارد و از این که نظامی می‌گوید پدرم به سنت جد از دنیا رفته است اندکی قابل تأمل است:

گر شد پدرم به سنت جد	یوسف پسر زکی مؤید (۹/۳۷۸)
نام مادر نظامی «رئیس» و از اقوام کرد بود:	

گر مادر من رئیسه کرد	مادر صفتانه پیش من مرد (۱۶/۳۷۹)
----------------------	---------------------------------

کنیه‌ی نظامی را ابومحمد نوشته‌اند و لقب او را بعضی نظام‌الدین و برخی جمال‌الدین ذکر کرده‌اند، تخلص نظامی است و این تخلص بسیار سنجیده و برگزیده‌ای است، زیرا «نظام» در لغت به معنی «در گوهر کشیدن» است و مجازاً معنی «شاعر و سخنور» را دارد، اما به نظرم آید که نظامی با توجه به نام خواجه نظام الملک وزیر ملک‌شاه این نام را برای شاعری خویش انتخاب کرده است. (ثروتیان، ۱۳۷۹: ۱۶) بعضی شهرت

نظامی رامطرزی نوشته اند. « دولت‌شاه سمرقندی و هدایت، حکیم را برادر قوامی مطرزی دانسته‌اند، اگر چه در اشعار او کلمات مطرّز و مطرّزی بسیار آمده است و حریر بافی هم در گنجه‌ی آن روز رواج داشته، آیا در مورد این که خانواده‌ی نظامی یا خود وی به حریر بافی اشتغال داشته‌اند یا نه هیچ گونه سندی در دست نیست.» (احمدنژاد، ۱۳۶۹: ۷-۸) با توجه به توصیف‌های عالی و مجلس آرای‌های شاهانه که در خسرو و شیرین و هفت پیکر یافته می‌شود می‌توان فهمید که محیط خانوادگی نظامی بسیار بالاتر از محیط خانواده‌های تنگدست و گمنام بوده است.

1-2-1. همسر و فرزندان

«نظامی با زنی که امیر در بند او را تحفه فرستاده بود ازدواج کرد و او را عاشقانه دوست می‌داشت. وی مثنوی خسرو و شیرین را متأثر از دوران خوش زندگی با همسرش آفاق می‌داند که در جوانی چشم از جهان فرو بست و حاصل وصلتش پسری بنام محمد بود. وی به همسران خود احساسات لطیف و علاقه و محبتی خاص داشت. این امر را می‌توان در مثنوی‌های عاشقانه او و مضامین دقیق و خیالات باریک وی یافت. نظامی مرگ شیرین، قهرمان داستان و مظهر یک زن خوب را، که در آغاز جوانی و بهار زندگی با آن همه زیبایی و دلبری رخت از جهان کشید و در زیر خاک پنهان شد، شبیه مرگ «آفاق» معشوق و محبوب جوانمرگ خود می‌داند.» (شهابی، بی تا: ۲۳) و چنین می‌آورد:

در این افسانه شرط است اشک راندن	گلابی تلخ بر شیرین فشاندن
به حکم آنکه آن کم زندگانی	چو گل بر باد شد روز جوانی
سبک رو چون بت قیچاق من بود	گمان افتاد خود کآفاق من بود
همایون پیکری نغز و خردمند	فرستاده بمن دارای در بند (۱۳۰/۳۲۸-۱۲۷)

2-2-1. زمان و علت فوت

در زمینه تاریخ فوت نظامی اختلاف نظر وجود دارد ولی برخی تذکره نویسان با اشاراتی که در ابیات مثنوی‌های نظامی بوده تا حدودی توانسته اند به آن سال‌ها پی ببرند و آنها به اختلاف سالهای ۶۰۲، ۶۰۴ و ۶۱۴ را ذکر نموده‌اند. نظامی در گنجه درگذشت و مدفن وی تا اواسط عهد قاجار باقی بود، بعد از آن رو به ویرانی نهاد تا این که به وسیله دولت محلی آذربایجان شوروی سابق مرمت شد.

3-2-1. چگونگی عرضه‌ی آثار

«مقام علمی نظامی در غرب و شرق زبان زد همگان می‌باشد. بعنوان مثال، «یان ریپکا»، هفت پیکر نظامی را به زبان فرانسوی ترجمه نموده است و همچنین «ویلسون» خاورشناس انگلیسی، هفت پیکر نظامی را به انگلیسی برگردانده است. در سال (۱۸۱۲) میلادی دو نفر از فضایی هند بنام‌های «بدرالدین علی» و «میر حسین علی»، اسکندر نامه را با نام منتخب شروح اسکندر نامه به چاپ رساندند. علاوه بر آن «برتلز»، دانشمند روسی نیز در مورد نظامی تحقیقاتی انجام داده است. یک خاور شناس روسی دیگر بنام «فرانسوا اردمان» منتخبی از اسکندر نامه نظامی را تحت عنوان جنگ روس و روم به چاپ رسانیده است. بعد از آن یک متشرق دیگر روسی بنام «لوئی اسپیتز ناچل» کتابی بنام لشکر کشی اسکندر کبیر نوشت و در آن اظهار کرد

که: «مطالب آن را از اسکندرنامه نظامی اقتباس کرده بودم». «هربرت دودا»، متشرق چکسلواکی نیز کتاب فرهاد و شیرین را چاپ و منتشر کرده است. «دکتر عبدالنعیم محمد حسن مصری» هم کتابی بنام «نظامی الگنجوی شاعر الفصیله» در مصر به چاپ رسانیده است.» (شهابی، بی تا: ۱۰-۲)

1-2-4 . آرا و گرایشهای خاص

«نظامی به غیر از شاعری و سخنوری در علوم عقلی بویژه در فلسفه، منطق، ریاضیات و نجوم سرآمد بود. او در علوم نقلی نیز همانند اخبار، قرآن، فقه، احادیث تبحر و مهارت کامل داشته است. اشعار نظامی در توحید و استدلال بر یگانگی خداوند و رد بر طبیعیون می‌باشد که در مثنوی‌های پنجگانه او با استدلال‌های گوناگون و تعبیرات مختلف آمده است. قدرت بیان و برهان و وفور و کثرت اطلاع او در این زمینه از شهرت بسیاری برخوردار است، نظامی آنچه را که از قول حکما و فلاسفه یونان درباره چگونگی آفرینش و نخستین آفریده بیان می‌کند موافق عقیده و مذهب فلاسفه است، ولی آنچه را بعنوان گفته و رأی خود اظهار می‌دارد، موافق عقیده حکما و دانشمندان اسلامی است که نخستین آفریده را عقل می‌دانند.» (همان: ۳۷-۳۱)

«نظامی معتقد بود که بدون فراگرفتن دانش و تنها با تکیه بر فکر و قریحه نمی‌توان به پایگاه بلندی رسید. هرچند که پیوند او با مکتب‌های صوفیان به درستی روشن نیست، اما از سخن و شعر او بر می‌آید که انسانی وارسته و به دور از وابستگی بوده است. وی به ویژه از پیوستن به دربارها و ارباب دولت پرهیز داشته است.» (روشن، ۱۳۷۰: ۱۰) نظامی هیچگاه در مدح مبالغه نمود و برای جلب نظر حکمرانان، شعر ن ساخت، او بخصوص در اواخر عمر گوشه‌گیری گزیده و هرگز گردن در پیشگاه امرا فرود نیاورد. (صوفی، ۱۳۷۸: ۶۷)

1-2-5 . مذهب نظامی:

«نظامی از عنفوان جوانی به فراگیری علم روی آورده اما هیچ یک از مورخان برای او شغلی ذکر نکرده‌اند. مذهب او دقیقاً معلوم نیست عده‌ای او را سنی و عده‌ای او را شیعه می‌دانند، اما چون عموم مردم ایران در زمان سلاجقه سنی مذهب بوده‌اند، مسلماً او نیز سنی بوده است. نظامی به خاندان عصمت و طهارت بویژه حضرت علی (ع) علاقه‌ی فراوان داشته است.» (شهابی، بی تا: ۲۳)

1-2-6 . شرع و زهد نظامی

نظامی گنجه‌ای از خانواده‌ی دارا و آسوده بوده و از بررسی آثار و اندیشه‌های او معلوم می‌شود که دوران نوجوانی را به آموختن قرآن و علوم دینی سپری کرده است و با استعداد خدادادی که داشته در دوران جوانی به دانش‌های عقلی و نقلی زمان خود دست یافته و در علم فقه و دین و حکمت به جایی رسیده که در مقام تبلیغ عقیده و مرام خویش برآمده، نظامی هنگام دیدار خود با مظفرالدین عثمان قزل ارسلان به سال (۵۸۷ق) از زبان قزل شاه، خویشتن را زاهد تازه‌رو می‌نامد و می‌گوید: به شاه گفتند نظامی شاعر آمد، شاه جامه‌ی مخصوص پوشید و به وزیر خویش شمس الدین محمد فرمود تا مرا پیش او ببرند:

درون شد قاصد و شه را خبر کرد	که چشمه بر لب دریا گذر کرد
شه از صراف جوهر خانه‌ی خویش	چو شمع افروخت از پروانه‌ی خویش
به شمس الدین محمد گفت برخیز	در آں زاهد رو تازه را تیز (۳۱-۳۳/۳۴۲)

در همین دیدار است که قزل شاه، حرمت زهد شاعر را نگه می‌دارد و مجلس باده خواری را بر می‌چیند:

شکوه زهد منبر من نگه داشت نه زان پشمی که زاهد در کله داشت
بفرمود از میان می برگرفتن مدارای مرا پی برگرفتن (۵۳-۵۴/۳۴۲)

نظامی گنجه‌ای زهد خویشان را چون زهی زرین و گرانقدر می‌داند و گریبان جامه‌ی خویش را به این زه می‌ترازد و می‌گوید: گنجی چون خسرو و شیرین به پادشاه بخشیدم، برگ کاهی به من ندادند و من باتهی دستی همه‌ی جهان را نعمت و گنج بخشیدم، خوب است که دیگران هم از من بخشندگی و خرسندی بیاموزند:

به خرسندی طمع را دیده بردوز زچون من قطره‌ای دریایی آموز
که چندین گنج بخشیدم به شاهی وزآن خرمن نجستم برگ کاهی
به بی برگی سخن را راست کردم نه او داد و نه من درخواست کردم
مرا آن بس که پر کردم جهان را ولی نعمت شدم دریا و کان را
نظامی گر زه زرین بسی هست زه تو زهد شد مگذارش از دست
به این زه گر گریبان را طرازی کنی بر گردن گذرن فرازی (۴۱-۴۶/۲۰۴)

در پایان مثنوی خسرو و شیرین می‌گوید: من شبها جان می‌کنم تا گوهری از سخن به دست آورم، به دربار شاهان می‌فرستم و مردمی بی‌وزن و بی‌قدر را گنجی بی‌ترازو می‌بخشم، لیکن ترازودار شاهان، عذرخواهان مبلغی ناچیز را به من می‌فرستد جفا بر گردن گاو است و ارابه و گردونه را گاو می‌کشد و لیکن گردونه از رنج می‌نالد، یعنی گنج از آن شاه است و او می‌بخشد لیکن گنج دار شاه شک می‌برد و از فرستادن هدیه‌های من خودداری می‌کند:

کسی کاو بر نظامی می برد رشک نفس بی آه بیند دیده بی اشک
بیا گو شب ببین کان کندم را نه کان کندن بلی جان کندم را
به صد گرمی بسوزانم دماغی به دست آرم به شبها شب چراغی
فرستم تا ترازو دار شاهان جو چندم فرستد عذرخواهان
به بی وزنی به بی وزنان دهم گنج جفا بر گاو، گردون نالد از رنج
بلی خر مهره چون در ده نباشد ازو جز دام و دد فربه نباشد (۷۲-۷۷/۳۳۹)

گفتنی است که به زبان کنایه پادشاه را هشتصد سال پیش گاو و خر مهره نامیدن، دل شیرمی‌خواهد و به این شیوه سخن گفتن جز از زاهدی خدا ترس چون نظامی بر نمی‌آید. (ثروتیان، ۱۳۸۲: ۳۵)

۱-۳. اجزاء خمسه نظامی:

۱- مخزن الاسرار: نخستین مثنوی از پنج گنج یا خمسه نظامی است که حدود ۲۴۰۰ بیت دارد و مشتمل بر بیست مقاله داستانی است و در سال (۵۶۱ یا ۵۷۱ هـ) در سن سی و هفت سالگی شاعر، در بحر «سریع مسدس مطوی مکشوف» (مفتعلن مفتعلن فاعلن) فاعلان) سروده شده است و از امهات مثنویات ادب تعلیمی فارسی است، پیش از نظامی هیچ مثنوی مستقلی به این وزن سروده نشده بود و مضمون و موضوع آن نیز کاملاً بکر و تازه است و به قول نظامی در آن عاریت کسی پذیرفته نشده است، این اثر مرکب است از بیست

داستان منظوم که جهان‌بینی اجتماعی و فلسفی شاعر و بینش او را به مسائل حیاتی گوناگون در بر گرفته است و به قول او:

عاریت کس نپذیرفته‌ام آن چه دلم گفت بگو گفته‌ام

شعبده‌یی تازه برانگیختم هیکللی از قالب نو ریختم (۳-۴/۱۹)

در مخزن الاسرار شاعر پیش از هر چیز به روشن کردن نقش شعر و شاعر در زندگی می‌پردازد، به نظر او سخن و مخصوصاً سخن مکتوب از مؤثرترین عوامل در تکامل اجتماعی و حیات انسان‌هاست:

جنبش اول که قلم برگرفت حرف نخستین ز سخن در گرفت

پرده‌ی خلوت چو برانداختند جلوت اول به سخن ساختند

تا سخن آوازه‌ی دل در نداد جان تن آزاده به گل در نداد (۱-۳/۲۱)

به نظر حکیم، این قلم و سخن است که دیدگان انسان را می‌گشاید، به او زندگی می‌بخشد و راه‌های تعالی و اعتلای زندگانی را می‌آموزد. نظامی فراموش نمی‌کند که شاعری و سخنوری علاوه بر این که کار شریف است، دشوار و پر مسئولیت نیز است و سخن شاعر می‌باید پر معنا و سرشار باشد. مخزن الاسرار سبب آوازه و قبول عام یافتن نظامی در همه مشرق زمین شد و داستان سرایی با اندیشه‌های عمیق فلسفی و اجتماعی که می‌توانست رازهای زندگی را در زمینه‌های گوناگون کشف کند به تاریخ ادبیات عرضه کرد. برخی معتقدند که نظامی در این مثنوی تحت تأثیر سنایی است و خود نظامی هم در مقدمه مخزن الاسرار بدین امر اشاره کرده است.

استاد زرین کوب معتقدند: «با آنکه مخزن الاسرار در مجموع تقلیدی از سنایی به نظر می‌رسید و از همه حیث اصالت نداشت و پژواک غریبی از حدیقه سنایی بود اما «بحر سریع» آن آهنگ تازه‌یی داشت و آن را از «بحر خفیف» عاری از شور حدیقه، متمایز می‌ساخت و تحرک و شور خاصی به کلام نظامی می‌داد و در مرتبه خود شاهکاری در شیوه تحقیق و بنایی استوار، در زمینه شعر تعلیمی بود که در عین حال معایب جامعه عصری و تصویر اوضاع و احوال روزگار نظامی را هم نشان می‌داد، اما در همه حال شیوه‌ی قصه‌پردازی نظامی در مخزن الاسرار، در مقایسه با آنچه در خسرو و شیرین و لیلی و مجنون و دیگر قصه‌های پنج‌گانه خود ارائه می‌دهد غریب و متفاوت به نظر می‌رسد و مثال بارزی از «شعر تحقیق» است که با قالب قصه‌های کوتاه تمثیلی و تصویر و توصیفات شاعرانه همراه است.» (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۵۷)

۲- خسرو و شیرین: «دومین مثنوی خمسه نظامی است که یک سال پس از نظم مخزن الاسرار، از سال (۵۷۳ ه . ق) آغاز و در (۵۷۶ ه . ق)، به پایان رسیده است و دارای ۶۵۰۰۰ بیت در بحر «هزج مسدس محذوف (مقصور)» (مفاعیلن مفاعیلن فعولن (مفاعیل) می‌باشد و منظومه‌ای است غنایی و عاشقانه که از داستان‌های اواخر دوره ساسانی است و داستان عشق خسرو پرویز، شاه ایران و شیرین شاهزاده ارمنی که در کتاب‌های گذشتگان مانند: «المحاسن والاضداد»، «غرر اخبار ملوک الفرس»، «شاهنامه فردوسی» و... آورده شده اما این داستان تغییراتی یافته و بعد به دست نظامی رسیده است.» (زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۷)

برتلس و ریپکا عقیده دارند که قصد نظامی از نظم این داستان، بیان سعادت و ناکامی زن جوان خود نظامی است که آفاق نام داشت و جوان مرگ شد، ولی اته نظم داستان خسرو و شیرین را نتیجه تغییر جهت فکری